

# تعلیم زبان مادری

نگارش آقای فوادی  
دبیر زبان فارسی در مدارس نظام

— ۱ —

خواندن و نوشتن — منظور اصلی و مستقیم از تعلیم زبان مادری عادت بخواندن و نوشتن است و بوسیله خواندن شخص بر افکار و مقاصد افراد دیگر آگاه میشود چه این افراد معاصر و چه بواسطه اختلاف و فواصل عصر و زمان از او دور باشند اگر خط نبود دایره حشر و تبادل فکری خیلی محصور و انسان فقط با معاصرین خود که در حوزه آمیزش او بودند میتوانست تبادل فکر و رای نماید پس خواندن و بعبارة اخیری آگاهی یافتن بر فکر و مقصد طرف رامیتوان یک نوع قوه استماع معنوی افراد بشر فرض نمود

نوشتن عبارت از بیان فکر است بطوریکه ثابت و دائم و برقرار میماند زیرا بیانی که تنها بوسیله زبان اظهار شود فراموش میگردد و اگر بتواند شیوع یابد و از دهان بدهان منتقل شود دچار تغییر و انحراف گشته و در آنصورت نیز بالاخره بهالم فراموشی رهسپار میگردد لکن چون بوسیله خط نمایش داده شود از نواقص مذکور مبرا و برای مدتها ثابت میماند ( مگر آنکه دست برد زمانه آنرا محو نموده از بین برد) پس نوشتن را میتوان یک نوع قوه تکلم و زبان معنوی بشر فرض نمود

در ظل توجه پدر و مادر و در محیط خانواده طفل بطرز گوش دادن و حرف زدن آشنا میشود و در زیر دست معلم و در محیط مدرسه علاوه بر تکمیل آنچه در محیط خانواده شروع شده قوه گفتن و شنیدن معنوی او که خواندن و نوشتن باشد بکار میآفتد

پس مدرسه باید راهی را انتخاب کند که طفل بتواند بواسطه آن بخوبی فکر و مقصد طرف را دریابد و در عین حال فکر خود را طوری شفاهاً و کتباً بیان نماید که دیگران بدون اشکال و تمنع بتوانند آن را بفهمند.

اگر مدرسه و عبارۀ اخری آموزگار بیکه مأمور اینکار است بتواند دو منظور فوق را عملی نماید بدیهی است که از عهدۀ انجام وظیفه اصابتی خود بر نیامده است و این مسئله خود یکی از نواقص تشکیلات معارفی يك ملت و ممالک بشمار خواهد رفت از عهد بیداری (Renaissance) بعد ملل مترقی در این راه کوشیده و میکوشند لکن بانطوریکه غایۀ آمال است تا کنون وسائلی بدست نیامده که این منظور عملی شود اما وقتیکه نسبت را در نظر بگیریم می بینیم که بعضی در این راه جلو تر و برخی عقب ترند البته بین طرز تعلیم زبان مادری در چین و امریکا و قرون وسطی و زمان حاضر فرق فاحش موجود است:

حالا به بینیم وضعیت ما ایرانیهادر این قسمت چطور است شاگرد دوازده سال تحصیل میکند تمام ساعات تحصیلی خود را صرف خواندن و نوشتن مینماید (چه ساعات مذکور بدرس فارسی و عربی اختصاص داشته یا نداشته باشد و اگر اسان خارجی را نیز در نظر بگیریم خود آن کمک بزرگی بزبان مادری است) باوجود این اغاب شکایت دارند که سواد محصلین فارغ التحصیل کم است اقسام مختلفه تالیفات را نمیتوانند بخوانند و بفهمند انشاهای متنوع و سلیس نمیتوانند بنگارند گاهی غلطهای املائی در نوشته های آنها دیده میشود و غیره و غیره.

حال به بینیم این نقص از چه یا که ناشی و تقصیر متوجه کیست و چیست؟

**الفبای فارسی** - بعضی میگویند الفبای فارسی بقدری مشکل است که قسمت بزرگی از ساعات را از شاگرد گرفته وقت او را تلف میکند در این باب مفصلاً بحث شده و تالیفاتی نیز راجع بآن در دست میباشد و اگر چه از تکرار آنها بینهیاز هستیم لکن محض نمونه چند قسمت مهم از نواقص الفبای خود را در اینجا ذکر نموده و بعد الفبای فارسی را با الفبای فرانسه و انگلیسی که متعاقب دو ملت و تمدن دنیای کنونی است مقایسه میکنیم.

۱ - میگویند الفبای ماسه حروف ( باصطلاح ماسه حرکت) مصوته: فتحه (a) ضمه (o) و کسره (e) یا زبر - پیش - زیر را ندارد زیرا در نوشتن رعایت قید آنها را نمی کنند پس کلمات آنطوریکه خوانده میشوند بتحریر درنمی آیند

۲ - بعضی حروف یا خوانده نمیشود یا آنکه باصدای غیر خود تلفظ میگردد مثل خوار - موسی - زکوة که خار - موسا - زکات خوانده و گاهی هم در نوشتن میافند ( مثل اسمعیل - رحمن که اسماعیل - رحمان خوانده میشود و الف آنها افتاده است )

۳ - نقطه های متعدد کلمات را دچار تصحیف میکند و در نوشتن اسباب زحمت شده در تند نویسی غالباً میافند ( بخصوص در خط شکسته)

۴ - طرز اتصال حروف اسباب اشکال است زیرا بعضی ( مانند الف - دال - و او ) از سمت چپ بحروف بعد نمی چسبند بالعکس برخی می چسبند بدین جهت ممکن است يك کلمه دارای يك واحد اتصالی و یا آنکه دارای چند جزء باشد ( مثل محصلین - خویشاوند )

۵ - بعضی از اصوات تکرار میشوند یعنی در شکل مختلف و در تلفظ یکی هستند مثل نور - سور - صور و این قسمت بیشتر از همه چیز وقت شاگرد را اشغال میکند زیرا مدتها باید زحمت بکشد و وقت تلف نماید تا صحت املا را فرا گیرد و همچنین معایب و نواقص دیگری که از این قبیل است

الفبای فرانسه و انگلیسی نیز مانند الفبای مانواقص چندی را دارا هستند که رو به مرفته اشکال تعلیم آنها از اشکال تعلیم الفبای فارسی کمتر نیست اینک برای نمونه بقسمتی از آن نواقص اشاره میکنیم:

۱ - در الفبای فرانسه ( همچنین آلمانی ) نیز نقطه وجود دارد مثلاً اگر بخواهند حرف مصوته را مطابق صدای خودش تلفظ نموده با مصوته دیگر ترکیب نکنند روی آن دو نقطه میگذارند موضوع آکسان (Accent) در الفبای فرانسه کمتر از نقطه های الفبای ما اسباب معطلی نیست بطوریکه اگر از آنها صرف نظر شود اشتباهات زیاد برای خواننده تولید میکند مثلاً (a) در زبان فرانسه بمعنی ( دارد ) و

(è) بمعنی (حرف اضافه-در) میباشد بدتر از همه آنکه رسم آکسانها با وجود تفاوت در تلفظ خیلی بهم شبیه است فقط جهت انحراف آنها تغییر میکند (tête, règle, éventail) قطعه در الفبای لاتینی که بجای الفبای قدیم تر کمی پذیرفته شده نیز دیده میشود مثل (tütün)

۲ - بعضی ترکیب های حروف دارای صدائی میباشد که آن صدا باهیچیک از حروف مذکوره مطابقت نمیکند مانند (oo) در الفبای انگلیسی که صدای (او) را میدهد و در عین حال گاهی مقصور و گاهی محدود تلفظ میشود مثل (Boor) (مقصور) و Room (محدود) و همچنین ترکیب Lion که در فرانسه (سیون) و در انگلیسی (شن) - چین) تلفظ میگردد مثل Organisation (در فرانسه اورگانیزاسیون - در انگلیسی اورگانیزیشن) در الفبای فرانسه ترکیب (oi) بجای (اویی) (اوآ) خوانده میشود مثل noir همچنین ترکیب eil و نظائر آن که بجای (ئیل) (ئی) تلفظ میشود مثل Soleil - oeil و از این قبیل است ترکیب های tch-ph-klh-ch-sb-th و غیره .

۳ - بسیاری از حروف مخصوصاً در الفبای فرانسه خوانده نمیشود مثل Doigt که دو حرف آخر آن تلفظ نمیشود همچنین در کلمه Through انگلیسی که تقریباً سه حرف آخر آن بی صداست گاهی بعضی حروف در اول و وسط کلمه خوانده نمیشود مثل L'homme فرانسوی و Know انگلیسی که حرف های اول این دو کلمه خوانده نمیشود و در listén انگلیسی حرف t و در Monsieur فرانسه n تلفظ در نیاید .

۴ - تکرار حروف که دارای يك صوت میباشد در الفبای فرانسه و انگلیسی هر دو وجود دارد مثل صدای (ز) در الفبای فرانسه که هم با (Z) و هم با (S) نمایش داده میشود مثل Demoiselle و Zéro و صدای (ش) که در الفبای انگلیسی با t و با sh نمایش داده میشود مثل Shall و organisation و صدای (س) در الفبای فرانسه که با t - c - ç - s نمایش داده میشود مثل l- ce - observation - leçon - sept اگر بخواهیم این قسمت را شرح داده و نظائر آنرا ذکر کنیم از مقصود خارج میشویم خلاصه آنکه خواندن بسیاری از کلمات فرانسوی و انگلیسی بسیار مشکل است زیرا بطوریکه در خط نمایش داده میشود خواننده نمیشوند و در نتیجه تلفظ کلمات نسبت بحروف دچار انحراف های غریب و عجیب میشود

مثل کلمه theatre انگلیسی که (ثانویه) نوشته شده لکن تلفظ آن تقریباً (تیئته - توته) باختلاف محل می باشد و کلمه فرانسوی Poêle که تقریباً (پو آل) خوانده میشود و اگر اختلافات لهجه‌ها را در نظر بگیریم که در هر ناحیه فرق میکند می بینیم تاچه اندازه نوشتن از تلفظ دور است (مثل آنکه<sup>r</sup> در الفبای فرانسه اگر مابعدش حرف صدادار نباشد در بعضی شهرها شبیه به غ فارسی تلفظ میکردد)

حرف a در الفبای انگلیسی گاهی صدای فتحه صریح فارسی را میدهد مثل ash و زمانی مانند کسره تلفظ میشود مثل aloo و گاهی شبیه بفتحه محدود متمایل بالف فارسی است مثل a دوم در کلمه Alarmed و بالاخره وقتی تلفظ آن مبهم است مثل Faculty مقصود نگارنده این نیست که بخواهم از الفبای کنونی دفاع کنم زیرا بحث در اطراف آن اولاً از موضوع ما خارج و ثانیاً مستلزم میزان و طرز گفتگوی دیگر و ثالثاً باید مشروح باشد غرض این بود که غیر از ما مردمانی دیگر هم هستند که باین درد مبتلا و گرفتار اشکال در تعلیم الفبا میباشند باوجود این بچه‌های آنها بعد از طی دوره تحصیلات ابتدائی از اطفال ما باسوادترند پس مسئله تنها بر محور اشکال تعلیم الفبا دور نمیزند بلکه اشکال در پیدا کردن راهی است که بوسیله آن بهتر و آسانتر بتوان خواندن و نوشتن را با اطفال آموخت در مقالات بعد تقدیر قوه در این باب بحث خواهیم کرد.

### انتقال آکادمی علوم روسیه از لنین گراد به مسکو

اخیراً دولت شوروی تصمیم گرفته است آکادمی علوم و تمام شعبات آن را از لنین گراد به مسکو انتقال بدهد و علت این انتقال را رسماً چنین بیان مینمایند که مرکز علم باید در پایتخت مملکت باشد و چون آکادمی تابع هیئت کمیسرهای ملی است در مسکو روابط همکاری آکادمی با هیئت کمیسر ها بهتر و سریع تر انجام خواهد گرفت در تاریخ ۲۶ ژوئن (۵ تیر ماه) جلسه هیئت رئیس آکادمی علوم در مسکو تشکیل و مسائل مربوطه به انتقال موسسات آکادمی و تهیه جا برای شعبات آن و همچنین ساختمان بنا های جدید مورد مذاکره واقع گردید و مطبوعات شوروی جلسه مزبور را اولین جلسه آکادمی علوم در پایتخت دولت شوروی تلقی مینمایند. هر چند اعضای آکادمی از حیث تنگی جا و نبودن محل مناسب برای شعبات متعدده مدتی دچار مشکلات خواهند بود ولی دولت شوروی نقشه عظیمی برای ساختمانهای جدید که تمام حوائج آکادمی را تأمین نماید طرح نموده و با جدیت هر چه تمام تر مشغول انجام نقشه مزبوره میباشد. این مؤسسه علمی که دو بیست سال قبل از طرف بطر کبیر تاسیس گردیده بواسطه کشفیات و زحمات علمی خود در تمام دنیا مقام ارجمندی را احراز نموده و امروزه در حیات اقتصادی و معارفی شوروی یکی از عوامل عمده شمار میرود.